



تعاونیهای تولید زراعی سنتی در ایران: نظام تولید زراعی حراثه (بنه) در ده کشکوئیه دشت آب بافت قبل از اصلاحات ارضی

پدیدآورنده (ها) : صفی نژاد، جواد

علوم اجتماعی :: نشریه مطالعات جامعه شناختی :: دوره قدیم، آذر ۱۳۵۵ - شماره ۶ (ISC)

صفحات : از ۱۶۵ تا ۱۷۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/94234>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۶/۱۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- بررسی باستان شناختی پهنه فرهنگی نیشابور از منظر معدن کاوی و فلز کاری کهن در دوران اسلامی
- بحران آب و نتایج زیست محیطی آن در آسیای مرکزی
- ویژگی های قنات های ایران
- معماری و مصالح سنتی در قنات ایران
- قنات های مقدس ایران
- بررسی تغییرات سبک زندگی در جامعه روستایی ایران
- سیستم های آبیاری متأثر از اقلیم در بلوچستان ایران نمونه قنات داری در هیجان
- جای نام شناسی سرحدات ایران از منظر شاهنامه فردوسی
- بررسی پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی در ایران و تأثیر آن بر ساختار سیاسی دهه ۵۰ خورشیدی
- بررسی استقرارهای دهستان رستاق بر اساس اسناد مکتوب و داده های باستانشناسی
- قنات منشأ نام و موجب دوام گناباد و قهستان
- خاطره ی اصلاحات ارضی؛ مطالعه ی موردی: شهرستان تالش در استان گیلان

عناوین مشابه

- تحلیل مقایسه ای نظام بهره برداری از زمین در کردستان و نظام بهره برداری گروهی - بنه - در دوره قبل از اصلاحات ارضی
- بنه تعاونی تولید زراعی سنتی در ایران
- قشربندی اجتماعی در روستاهای ایران قبل و بعد از اصلاحات ارضی (۱۳۴۱)
- مطالعه تحول تمشیت امور روستا از مهارگری تا تمرکز در دوران قبل از اصلاحات ارضی
- زن و اقتصاد روستایی در ایران قبل از اصلاحات ارضی (با تکیه بر رمان کلیدر، نوشته محمود دولت آبادی)
- عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونیهای تولید زراعی در آذربایجان شرقی
- بررسی اثر اصلاحات ارضی و از بین رفتن بنه بر تولید کشاورزی ایران
- بازخوانی ساختار نظام بهره برداری ارضی در کردستان قبل از اصلاحات ارضی
- استخراج توابع تقاضا و تعیین ارزش اقتصادی آب در تولید محصولات عمده زراعی دشت سیدان- فاروق شهرستان مرودشت
- اصلاحات ارضی در ژاپن

تعاونیه‌های تولید زراعی سنتی در ایران

نظام تولید زراعی جمعی حراشه (بنه) در ده کشکوئیه دشت آب بافت

قبل از اصلاحات ارضی

نظام تولید زراعی جمعی نوعی تعاون تولیدزراعی سنتی است که در مناطق کم آب شرق ایران تا قبل از انجام مراحل مختلف اصلاحات ارضی وجود داشت، معروفترین این واحد بناهای "بنه" در تهران، "صحرا" در خراسان، "حراشه" در شیراز و کرمان نامیده میشدند. موجودیت این واحدها بر اساس همکاری و تعاون استوار بود که این همکاری معمولاً از حدود کار صحرائی تجاوز نموده دامنه اش تا همکاری نزدیک خانوارهای عضو واحد ادامه می‌یافت زیرا هر واحد تولید (بنه) نسبت بمقدار آبی که در اختیار داشت زمینهای زیر کشتش تغییر نموده و بهمان نسبت تعداد اعضایش تغییر میکرد زیرا آب بیشتر زمین بیشتری را زیر کشت میبرد و زمین بیشتر به نیروی کار بیشتری نیاز داشت.

بین اعضاء حراشه تقسیم کار وجود داشت و پس از برداشت محصول طبق عرف محل سهم هر یک از عوامل کار (زمین، آب، بذر، شخم و نیروی کار) مشخص میشد، حراشه‌های ده کشکوئیه نمونه ای است از واحدهای تولید سنتی در منطقه کم آب دشت آب بافت کرمان.

آشنائی با منطقه

منطقه بافت در جنوب کوههای لاله زار (بلندترین قله حدود ۴۳۰۰ متر) بین سیرجان و جیرفت (جنوب غربی کرمان) واقع شده است، این منطقه از دامنه‌های جنوبی کوههای لاله زار با شیب ملایمی تا شهر بافت ادامه یافته است، در جنوب بافت ارتفاع به حدود ۲۱۰۰ متر رسیده و از آن پس منطقه هموار دشت آب آغاز میگردد که از دهستانهای جنوبی منطقه بافت بشمار است.

منطقه دشت آب از جهات شمال، غرب و جنوب به زمینهای مرتفعی محدود میگردد ولی از سمت شرق با شیب ملایمی به منطقه جیرفت میرسد تا آنجا که اختلاف ارتفاع غرب دشت آب تا جیرفت از ۶۰۰ متر هم تجاوز مینماید.

پهنای منطقه دشت آب از حدود ۲۰ تا ۳۰ کیلومتر تجاوز نمی نماید (مگر بسمت جیرفت) بنابراین ((دشت آب صحرای وسیعی است^۱)) کم باران که میزان بارندگی سالیانه آن از حدود ۲۰۰ میلیمتر در سال بندرت تجاوز مینماید^۲، درجه حرارت منطقه بین ۳۵ + تا ۱۷- درجه سانتیگراد در سال ۱۳۵۰ نوسان داشته است و محلیان معتقدند که ((اختلاف هوایش زیاد است))^۳ برای این اساس دشت آب منطقه ای است کم باران و اگر احیانا " بارانی از کوههای اطراف آن در فصل بارندگی سرازیر گردد از غرب بشرق از قلب منطقه گذشته برود جیرفت می پیوندد .

دشت آب منطقه ای است قابل کشت ولی آب کافی ندارد از اینرو سکنه برای رفع نیازهای کشاورزی خود حتی المقدور به زدن قنات همت گمارده اند، تامین آب مورد نیاز کشاورزی بیشتر با آب قنات^۴ تامین میشود.

از آنجا که دشت آب نسبت به بافت منطقه حاصلخیزی نیست حدود ۵/۶۵ در صد آبادیهای آن با قریب ۴ درصد جمعیت کل منطقه در دشت آب قرار گرفته است .

منابع رسمی تعداد دههای مسکونی دشت آب را ۳۲ با حدود ۲۱۰۰ نفر جمعیت ذکر نموده اند .

تمام این خصوصیات کمبود باران منطقه را گواهی میدهد بنابراین دهقانان بافت از دیرباز برای بهره برداری بهتر از زمین کشت جمعی را انتخاب نموده اند، "کشت جمعی" یا ((نظام تولید زراعی جمعی)) یا ((کشت سنتی)) در سراسر ده های منطقه تا قبل از اصلاحات ارضی دیده میشد و بنام ((حراثه)) شهرت داشت .

پس از اصلاحات حراثه ها تغییر شکل داد ولی ساختمان اساسی آنها در یک منطقه جغرافیائی تقریباً " یکسان ماند، در این مقاله ابتدا کلیاتی از وضع حراثه های بافت را یادآور شده سپس حراثه های ده کشکوئیه واقع در دشت آب را که حدود ۴۴

- (۱) - جغرافیای کرمان، به تصحیح دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی، صفحه ۱۳۹.
- (۲) - اطلس اقلیمی ایران، دانشگاه تهران، موسسه جغرافیا، نقشه بارندگی در ایران .
- (۳) - جغرافیای کرمان، به تصحیح دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی، صفحه ۱۳۹.
- (۴) - همان کتاب، همان صفحه.

خانوار جمعیت دارد بعنوان نمونه ای از حرائه ها (بخصوص حرائه های منطقه نسه" کم آب) مورد مطالعه قرار داده است.

نظام تولید زراعی جمعی در بافت حرائه (بنه)

درده های نزدیک به بافت کرمان مدار گردش آب براساس شش شبانه روز یکبار شکل گرفته است. هر شبانه روز آب قنات (۲۴ ساعت) را ((یکدانگ)) برابر با ((۱۶ حبه)) برابر با ((۱۶ شاهی)) محاسبه مینمایند و یک حبه زمین نیز مقدار زمینی است که در شرایط معمولی حدود ۴۵ کیلوگرم ((تخم کار)) دارد بر این اساس ده به شش دانگ تقسیم میگردد و هر دانگ دارای یک شبانه روز آب نیز هست که اصطلاحاً ((دمن)) میگویند.

قبل از اصلاحات ارضی در هر دمن آب چهار تا ۱۰ نفر بشراکت کشت و زرع میکردند که تعداد قطعی آنها را مقدار آب مشخص مینمود، اگر قنات ده کم آب بود در زمین های زیر کشت هر شبانه روز آب قنات فقط چهار نفر بکار اشتغال داشتند و اگر بر میزان آبش افزوده میگشت این اعضاء به پنج تا ۱۰ نفر فزونی می یافتند.

اگر آب قنات کم بود زمینهای زیر کشت هر شبانه روز آب به دو جفت گاو کار جهت شخم و خرمن کوبی نیاز داشت و هر جفت گاو را در اصطلاح محلی ((یک بند گاو)) مینامیدند در صورتیکه عوامل فوق آماده میگردد و در رابطه با هم شروع بکار میکردند حرائه ای ایجاد میگردد که بمدت یکسال زراعی اعضاء آن فعالیت مشترکی داشتند.

معمولاً "دهقانان مالک گاو نیز بودند یعنی حرائه ها به شکل گاو بندی اداره میشدند چهاردهقان عضو حرائه دارای دو بند گاو نیز بودند در نتیجه هردهقان بایستی مالک یک راس گاو نیز باشد. پس حرائه های ده های نزدیک ببافت در صورت کم بودن آب قنات دارای مشخصات زیر بودند:

- (۱) - اطلاعات اولیه از آقای شفیع بافتی از محلیان شهر بافت است که در تاریخ - ۱۳۵۱/۳/۱۲ در محل در اختیار نگارنده گذارند. از لطف ایشان سپاس دارد.

- ۱- یک شبانه روز آب .
- ۲- یکدکاک برابر ۱۶ حبه زمین برابر با ۷۲۰ کیلوگرم بذر پاش گندم .
- ۳- دو جفت گاو کار .
- ۴- چهار نفر عضو .

* * * * *

طرز تقسیم محصول

زمین زیر کشت حراشه ها اکثرا " به کشت گندم و جو اختصاص داشت ، اگر تمامی گندم یا جو بدست آمده از حراشه را میخواستند تقسیم کنند طرز تقسیم آن بدینگونه بود :

مباشر	۱۰ درصد
دشتبان	۵ درصد
خوک زن	۳ درصد
خرمن کوبی	۵ درصد
شخم	۵ درصد
جمع	۲۸ درصد

پس از برداشت ۲۸ درصد از میان ۷۲ در صد محصول باقیمانده به سه تقسیم شده دو تقسیم (۴۸ درصد) به مالک بابت آب و زمین و بذر و کود و سرپرستی تعلق گرفته و یک تقسیم (۲۴ درصد) به دهقانان عضو حراشه تعلق میگرفت ولی نیمی از سهم مباشر (۵ درصد) به سهم دهقانان اضافه میگردد در نتیجه ۲۹ درصد از کل محصول به چهار دهقان تعلق میگرفت و سهم هر دهقان عضو حراشه از محصولات پائیزه ۷/۲۵ درصد بود .

حراشه های ده کشکوئیه بافت

شکل و مشخصات

ده کشکوئیه دشت آب بافت بواسطه کمی آب قناتش فقط دارای چهار حراشه بود

(پاورقی شماره (۱) در صفحه بعد)

و چون کلیه املاک ده به شش‌دانگ و هر دانگ به ۱۶ حبه تقسیم میشد مجموع ده ۹۶ حبه یا سهم محاسبه میگردد .

مدار گردش آب شش روز یکبار بود و هر حراشه دارای ۱/۵ شبانه روز آب بود و دو بند گاو (چهار راس) نیروی شخم آنرا تشکیل میداد و با هر بند گاو یک نفر کار میکرد که او را (زعیم) مینامیدند .

زمین زیر کشت هر حراشه بدو قسمت " کشت پائیزه " و " کشت بهاره " تقسیم میشد سطح زیر کشت پائیزه از ۱۳ تا ۱۴ هکتار تجاوز نمیکرد که ۸ هکتار آن به کشت گندم و ۵ تا ۶ هکتار بقیه به کشت جو اختصاص داشت . کشت بهاره حدود نصف کشت پائیزه بود و معمولاً به کشت سیب زمینی ، پیاز ، نخود ، ارزن ، هندوانه خربزه و یونجه اختصاص داشت که کشت نخود و ارزن مهمتر و بیشتر از محصولات دیگر کشت میگردد برای این اساس وضع حراشه های ده بقرار زیر بود :

جدول مشخصات حراشه های ده کشوئیه دشت آب بافت

مشخصات	یک حراشه	حراشه های ده
حراشه های ده	—	۴
گاو کار (راس)	۴ (۲ بندگاو)	۱۶ (هشت بندگاو)
زعیم	۲ نفر	۸ نفر
سطح زیر کشت محصولات پائیزه	۱۳ تا ۱۴ هکتار	۵۲ تا ۵۶ هکتار
سطح زیر کشت محصولات بهاره	۶ تا ۷ هکتار	۲۴ تا ۲۸ هکتار
سطح کل زیر کشت	۱۹ تا ۲۱ هکتار	۷۶ تا ۸۴ هکتار
سهم آب	۳۶ ساعت ۱/۵ -	۱۴۴ ساعت (شبانه روز یکبار)

(۱) - اطلاعات اولیه مربوط به ده کشوئیه را آقای "منصور حافظی بافتی" از مطلعان محل و دانشجوی دوره شبانه دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دردیماه ۱۳۵۳ در اختیار نگارنده گذاردند که از الطاف ایشان صمیمانه سپاس دارد .

نیروی کار

اعضاء حراشه ها را "زعیم" مینامیدند و هر حراشه بیش از دو عضو نداشت و در مجموع ده دارای هشت زعیم بود، از هشت نفر زعیم یکنفر بدیگران ریاست میکرد که "سر زعیم" نامیده میشد و به او ((شحنه)) نیز میگفتند.

هر زعیم با یک بند گاو (دوراس) کار میکرد که مجموعاً ((یک مرد)) به حساب میآمد.

علاوه بر دو زعیم که عضو اصلی حراشه بودند تمامی خانوار هر دو عضو حراشه پشتوانه نیروی کار حراشه بودند، پسر، دختر، عروس، داماد، همسر، مادر و پدر عروس یا داماد در مواقع لزوم بخصوص هنگام وجین و درو در کارهای مختلف حراشه شرکت میکردند. وجین با زنان و دختران بود و درو را مشترکاً (بیشتر مردان) انجام میدادند و رسیدگی به دام، نان پزی، تهیه غذا و دوخت و دوز را زنان.

کار خاص مرادن آوردن هیزم و بوته خار (جاز) از جنگل و بیابان برای نان پزی بود و آبیاری مزرعه، زمین بندی و خرید و تهیه اجناس مورد نیاز (بیشتر از شهر).

خرمن و خرمن کوبی :

خرمن کردن، خرمن کوبی و پاک کردن خرمن با زارغان بود. کوبیدن خرمن با گاو انجام میگرفت و چرخ خرمنکوب ((گرجین)) برخلاف بسیاری از نقاط دیگر که دارای پره های آهنی بود پره های چوبین داشت و نجار محل آنرا میساخت.

پس از خرمن کوبی دانه ها از گاه جدا میشد و ارباب یا مباشر شخصاً در مهر کردن خرمن (در اصطلاح محلی "زاع") نظارت میکردند و هنگام شکستن زاع خرمن نیز مجدداً نظارت میکردند.

پس از خرمن کشی (شحنه) یا (سر زعیم) پناهار میدادند که آنرا "چاشت خرمن" می نامیدند.

توزین خرمن با مراسم خاصی انجام میگرفت، وزن کننده را ((وزان)) می گفتند وی در فاصله کشیدن هر وزن از ابه شماره های وزن بالهجه محلی با صدای نسبته " بلند همراه با اشعار مذهبی تکرار میکرد مثلاً" میگفت:

یک: اول بنام خدا، اول بنام خدا
 دو: دو نیست خدا، دو نیست خدا

سه: سبب ساز کارها ، سبب ساز کارها
چهار: چاره درمانندگان و

طرز تقسیم محصول

گفتیم که هر زعیم با دو راس گاو یک مرد بحساب می‌آید و مجموعاً " ده هشت زعیم در چهار حراثه داشت که با گاوهایشان هشت مرد محسوب میشدند و یکی از این هشت نفر بدانها ریاست میکرد که سرزعیم نامیده میشد .

محصول بدست آمده پائیزه حراثه ها به ۱۰ قسمت تقسیم میشد ۳ قسمت سهم زعیم ها (انصبا) و ۷ قسمت سهم ارباب (منال) میگردد مثلا " اگر برداشت غلات یک حراثه را ۱۰۰ فرض کنیم ۷۰ درصد سهم ارباب و ۳۰ درصد سهم هشت عضو حراثه میگردد ولی سهم اعضاء حراثه بجای هشت قسمت شدن به ۹ قسمت تقسیم میشد و یک سهم اضافی به سرزعیم تعلق میگرفت .

سرزعیم یا شحنه که دو برابر هر زعیم سهم میبرد وظیفه داشت علاوه بر کارهای زراعی مربوط به حراثه کارهای اربابی از قبیل آوردن بوته و هیزم ، حمل گندم به آسیاب و آرد کردن آن ، برف رویی پشت بامهای ارباب و بیرون بردن کود طویله را نیز انجام دهد و این قبیل کارها را در اصطلاح محلی ((قلون)) مینامیدند .

طرز تقسیم محصولات بهاره

محصولات بهاره به سه قسمت میشد $\frac{۲}{۳}$ سهم ارباب و $\frac{۱}{۳}$ به زارعان تعلق میگرفت ، محصولات بهاره (سیب زمینی ، پیاز ، صیفی) بیشتر جنبه خود مصرفی دارد ولی نخود و پیاز علاوه بر رفع نیازهای محلی کمی ببازارهای اطراف فرستاده میشود . در بهاره کاری تهیه بذر و مخارج زراعت بهاره بعهده ارباب ولی کود لازم ، نیروی کار و حمل و نقل آن از وظایف اعضاء حراثه بود .

سهم گاو

هر زعیم با دو راس گاو کار یک مرد بحساب می‌آید ولی اگر زعیمی گاو نداشت میبایست برای انجام شخم و خرمنکوبی گاو مورد نیاز را تهیه و بکار بگیرد در چنین

شرایطی سهم زارع بدون گاو سه قسمت شده دو قسمت متعلق به او و یک قسمت باقیمانده "سهم گاو کاری" به صاحب گاو تعلق میگرفت .

سهم بران حراثه

هر حراثه علاوه بر سهمی که به اعضاء رسمی و اصلی خود میداد دارای اعضاء دیگری نیز بود که مستقیماً از محصول سهم میبردند این سهم بران در درجه اول ((مرسوم کاران)) یا نجار، آهنگر، و سلمانی (دلاک) بودند سهم بران دیگر حراثه اهمیت مرسوم کاران را نداشتند معمولاً "سهم اینگونه افراد قبل از تقسیم محصول محاسبه و برداشت میشد مرسوم کاران بترتیب اهمیت عبارت بودند از:



۱- آهنگر:

هر حراثه به ابزارهای متعدد آهنی و خرده کاریها و تعمیراتی از این قبیل که منحصرأ بدست آهنگر انجام میگرفت نیاز داشت ، آهنگر ابزار مورد نیازو خرده کاریها و تعمیرات هر حراثه را بمرور انجام داده یا تهیه میکرد و در اختیار اعضاء قرار میداد و در هر سال زراعی بهنگام برداشت خرمن نیم درصد از محصول بدست آمده پائیزه هر حراثه (جو، گندم و گاه) را بعنوان دستمزد میگرفت ، آهنگران معمولاً " در دهی سکونت میگزیدند که درمیانه قرار گرفته و بچند ده دیگر نزدیک باشد آنان آهنگری تمامی حراثه های چند ده را قبول میکردند درده کشکوثیه که دارای چهار حراثه بود دو درصد از کل برداشت غلات و حدود چهار با گاه ده به آهنگر تعلق میگرفت و به نسبتی از محصولات بهاره نیز سهم میبردند .

معمولاً " دانگی ۵ من گندم (۱۵ کیلو) و ۵ من جو و یک بارگاه به آهنگر سهم میرسید و چون هر حراثه ۱/۵ دانگ بود ۷/۵ من گندم ، ۷/۵ من جو و ۱/۵ بارگاه سهم آهنگر بود ولی این مقدار در طول سالها ثابت نبود و بستگی با مقدار برداشت محصول حراثه و نوع قرار داد آهنگر با حراثه داشت .

۲- نجار:

نجار نیز وضعی شبیه آهنگر داشت، نجاران سالیانه کار ابزار کار چوبی اعضا حراشه راتپیه و مجانا "دراختیارشان میگذارند و بجای ارزش ابزار تهیه شده و مزد خود بهنگام برداشت محصول نیم درصد از محصول گندم و جو حدود یک بار گاه از هر حراشه قبل از تقسیم سهم میبردند، نجاران کارهای نجاری حراشه های چندین ده نزدیک بهم را می پذیرفتند و برحسب محاسبه نیروی کار خود نجاری تعداد دهها رابعده می گرفتند. اگر حراشه محصولات دیگری نیز داشت مقداری بعنوان تعارف به نجار داده میشد.

۳- سلمانی:

در ده کسکوئیه سلمانی، حمامی، دلاک، حجومت کن و دندان پزشک ده یک نفر بیش نبود و کلیه کارهای مشاغل فوق را برحسب نیاز مراجعان انجام میداد وظایف و مشاغل مختلف این شخص عبارت بود از:

(سلمانی) اصلاح سرو صورت اعضا حراشه، (دندان پزشک) دندان کشیدن و مداوای دندان اهالی، (حمامی) جمع آوری سوخت لازم و آماده کردن حمام و تمیز نگهداشتن و گرم کردن آن (دلاکی) ختنه کردن بچه ها و حمامت کردن داوطلبان، تیغ زدن به سردا و طلبان در روز عاشورا، ضمنا "سلمانی به هنگام جشنها و اعیاد و عزاداری ها همه کاره بود، پذیرائی با چای و شیرینی، آشپزی، ترتیب توزیع غذا و خلاصه چرخاندن چرخ مجالس سرور و عزادست سلمانی انجام میگرفت سلمانی از حراشه سهم مشخصی داشت در ده کسکوئیه سهمی که به سلمانی تعلق میگرفت همانند آهنگر و نجار بود (از هر دانگ ۵ من گندم و ۵ من جو یک بار گاه) گاهی یک بار گاه تا سه بار فزونی می یافت در گذشته (تا حدود سال ۱۳۳۰ شمسی) ارباب هم از سهم خودش کمکهای به سلمانی میکرد که مقدار آن مشخص نبود مثلا "بدستور ارباب یا به حواله کرد او یک تا سه بار گاه با اضافه ۳۰ تا ۶۰ من سه کیلوئی گندم به سلمانی داده میشد.

۴- دشتبان:

دشتبان مسئول حفظ و حراست محصولهای کشت شده در تمامی ده بود، در

همه سال دشتبان وظیفه داشت تا شبانه روز مواظب مرزعه باشد تا چهار پایان و حیوانات وحشی باعث خرابی محصول نشوند و از سرقت های احتمالی نیز جلوگیری نماید ، حقوق دشتبان قراردادی بود و این حقوق در سالهای مختلف بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ من گندم نوسان داشت ، معمولا " حراثه های ده محاسبه نموده گندم نان سال دشتبان را به او میدادند و در این محاسبه خانوار او را ۵ نفر حساب میکردند (هر نفر در سال ۶۰ من) جمعا " ۳۰۰ من گندم به او داده میشد زیرا معتقد بودند کسی که مصرفی سال خانواده خود را داشته باشد همه چیز دارد .

آب دادن به دروگرها به هنگام درو بعهده دشتبان یا زن او بود ، زن ارباب و زن سر زعیم کارهایی به زن دشتبان واگذار میکردند که بایستی انجام دهد علاوه بر اینها زن دشتبان در جمع آوری خوسه و وجین شرکت میکرد .
با موافقت اعضاء حراثه ها و سرزعیم قطعه زمین کوچکی حدود چند قصب جهت کشت در اختیار دشتبان میگذاشتند که محصول آن منحصر " به خود دشتبان تعلق میگرفت .

۵- کدخدا :

کد خدا از هر دانگ ده کسکوئیه $\frac{2}{5}$ من گندم سهم میبرد یعنی از هر حراثه $\frac{1}{5}$ (دانگ) $\frac{2}{25}$ من سهم میبرد و چون ده شش دانگ یا چهار حراثه داشت جمع سهم کدخدا ۱۵ من میشد ، کدخدای ده کسکوئیه کدخدای تمامی دههای همجوار و نزدیک نیز بود ، ممکن بود هر کدخدا در بافت کدخدای یک بخش یا یک منطقه نیز باشد و از تمامی این دهها بهمین نسبت سهم میبرد و در قبال این سهم بیشتر به رفع اختلافات داخلی ده ها پرداخته و بین ساکنان و ماموران دولتی نیز نقش واسطه را داشت .

۶- لوطی :

لوطیان به هنگام برداشت خرمن بصورت گروهی ، سرخرمن حاضر شده با خوشروئی و شاد کردن زعیم ها ، قدری گندم برسم پیشکش میگرفتند که مقدار آن به

(۱) - قصب قطعه زمینی است برابر با $25 = 5 \times 5$ متر مربع .

حالت روحی زعیم بستگی داشت (معمولا " از حدود یک من تجاوز نمیکرد) ، زعیم ها لوطی و حمامی را افراد بد دهن میدانند و برای گریز از ناسزاگوئی آنها می کوشند تا اینگونه افراد را خوشحال از سرخرمن باز گردانند ، در عین حال معتقدند که اگر اولین بار لوطی بسر خرمن آید بهتر از آمدن ((سید)) و ((درویش)) است .

۷- خوک زن :

چون در اغلب مناطق کوهستانی ایران گراز یا خوک وحشی بمزارع زیرکشت آسیب فراوان میرساند افرادی را بنام ((خوک زن)) با قرار دادی (معمولا " جنسی) به کمک میگیرند ، در ده کَشکوئیه نیز این حیوان وحشی وجود دارد و برای جلوگیری از آسیب های احتمالی یکی از اهالی مامور میشود تا از ورود این حیوان بمزارع جلوگیری کند و سهم خوک زن را محلیان حدود نصف سهم دشتبان تخمین میکنند که بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ من نوسان داشت .

۸- درویش :

در ده های بافت به هنگام برداشت خرمن حراثه ها درویش ها بسر خرمن رفته با خواندن اشعاری مذهبی قدری گندم ، جو یا گاه می گرفتند اگر فصل درو یا کوبیدن خرمن بود یک دسته گندم نکوبیده ساقه دار (بافه) به درویش داده میشد . بافه اهدائی به درویش حدود شش من وزن داشت که پس از کوبیدن حدود یک من گندم شمش (گندم خالص) میشد . در صورت آشنائی درویش با سرزعیم ممکن بود بافه اهدائی تا دو برابر افزایش یابد و گاهی دیده شده که به سید یا درویش خاصی تا پنج من گندم هم داده شده است .

۹- سید :

سید که با بستن شال سبزی موقعیت خود را مشخص مینماید به هنگام برداشت محصول به خرمن های مختلف مراجعه مینماید و وضعی تقریبا " شبیه درویش دارد ، بسیاری از افراد به برحق بودن سید معتقدند از اینرو علاوه بر مقداری محصول که به او میدهند

از نامبرده پذیرائی نموده و احیانا " ناهاری هم به او میدهند .

۱۰- دروگر:

دروگران اعضای حراثه ها بودند که با خانواده خود در فصل درو به درو میپرداختند اکثریت آنان مرد بودند ولی زنها هم فعالانه در این کار شرکت میجستند ، ضمنا " دشتبان یا زن او مسئول آب دادن به دروگران بود .
کار دروگران از سپیده دم آغاز شده تا حدود ساعت ۱۰ صبح ادامه می یافت
آنگاه پس از تعطیل موقت از چهار بعداز ظهر مجددا " آغاز میشد تا حدود ۷ بعد از ظهر ادامه مییافت و استثنا " شبهای مهنایی به کار ادامه میدادند چون کاری بود که بهر صورت خود آنها میبایستی انجام دهند اینان درازای یک روز کار ۳ من گندم مزد میگرفتند .

۱۱- مباشر:

مباشر که درو واقع ارباب دوم ده بود پس از جمع آوری سهم ارباب سهم خود را از سهم ارباب بر میداشت ؛ حداقل $\frac{1}{10}$ و حداکثر $\frac{1}{5}$ از سهم ارباب به مباشر میرسید بدین ترتیب که از ۷۰٪ سهم ارباب (مثال) از محصولات پائیزه هر حراثه ۷ تا ۱۴٪ سهم از آن مباشر میگردد و چون ده چهار حراثه داشت سهم مباشر به حدود چهار برابر سهم فوق از هر حراثه میرسید .

۱۲- خوشه چینی:

به هنگام برداشت "دسته پشته" یا (جمع آوری محصول دروشده) افراد بی بضاعت وزن و فرزندان زارعان و خوش نشینان با اجازه وزیر نظر " سرکار" که از طرف مالک برای جلوگیری از حیف و میل محصول موقتا " تعیین و مزد او از میانه (قبل از تقسیم محصول) پرداخت میشد ، به جمع آوری خوشه میپرداختند .
خوشه چینی را ابتدا زن سرزعیم با نخوت خاصی آغاز میکرد بدین ترتیب که نامبرده اول وارد مزرعه شده در جلو قرار میگرفت دیگران بدنبال اوبه جمع آوری خوشه

میپرداختند در تمام مدت بترتیبی که دسته های گندم برداشته میشد زن زعیم جلوتر از دیگران اجازه خوشه چینی داشت ، این امر بدان سبب بود که پس از برداشتن هر دسته چون خوشه های زیادی جا میماند زن سرزعیم به راحتی بتواند آنها را جمع آوری نماید پس مانده زن سرزعیم سهم دیگران بود که بایستی جمع نمایند .

ساکنان ده آرزو داشتند که به شکلی با سرزعیم خویشاوند شوند تا از این مزایا بهره مند گردند ، زن سرزعیم شدن افتخار بزرگی بود که نصیب هر کسی نمیشد و نهایت آرزوی جوانان نیز این بود که دامادسرزعیم شوند .

تعویض افراد :

افرادی که به عضویت حراشه انتخاب میشدند یکسال زراعی در سمت خود باقی میماندند ، اگر بمناسبتی تصمیم به تعویض افراد گرفته میشد در آغاز سال زراعی (اول ماه میزان = اول مهر) این کار انجام میشد ، تصمیم را اغلب مباشر که نماینده ارباب بود شفاهاً^۱ به اطلاع میرساند ارباب خطاب به مباشر در اینمورد نامه ای مینوشت که فلان را معزول و فلان را بجای او بگمارید ، آنگاه نامه را مباشر به زارع معزول میداد ، متن زیر یکی از این نامه هاست که مالک به مباشر نوشته است :

((عالیشان (گاهی عالیجاه) شهدی ابراهیم (بموجب این خطاب)))

((لازم است موازی ۱۲ سهم^۲ از ۹۶ سهم مزرعه^۳ که))

((بمدت پنج سال زراعت نموده اید از ((آب بند))^۴ میزان سال -))

((جاری به کربلائی حسن واگذار گردیده که طبق معمول زراعت نماید)) .

مورخ ۱۲ ربیع الاول سال ۱۳۲۴ قمری (آوریل ۱۹۰۵ میلادی)

امضاء مالک

(۱) - بملاحظات نام حقیقی افراد ذکر نشده است .

(۲) - ۱۲ سهم از ۹۶ سهم یعنی تمامی زمینهای زیرکشت چهار حراشه ۹۶ سهم است با هشت عضو چون هر حراشه دارای دو عضو است در واقع هر عضو در ۱۲ سهم زراعت مینماید .

(۳) - مزرعه منظور حراشه است و چون حراشه ها دارای نام مشخص است در اینجا نامش مشخص میگردد .

(۴) - آب بند اصطلاح آغاز سال زراعی جدید است هنگامیکه حقا به سال زراعی قبلی پایان پذیرفته و سال زراعی جدید آغاز میگردد .

پیشکش:

زارعان برای تحکیم موقعیت خود مجبور بودند که گاهی هدیه ای به ارباب بدهند که بدان ((نقدمه)) میگفتند، تقدمه ها معمولاً "گوسفند، بره، مرغ و یا خروس بود.

پاداش:

به هنگام برداشت محصول، حراثت ای که محصولش از نظر کمی و کیفی بهتر از حراثت های دیگر بود یا اصولاً "بیش از حراثت های دیگر بازده داشت از طرف ارباب مقداری جنس (گندم، جو، لباس یا پارچه) بعنوان پاداش و انعام نقدی به اعضاء آن داده میشد.

مساعده:

زارعان عضو حراثت اگر به مساعده نیازی داشتند بدستور ارباب ماهانه مقداری پول و گندم بدانها داده میشد و بهنگام برداشت محصول از سهم آنها کسر میکردید، مقدار این مساعده سالانه برای هر نفر از حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان پول و ۱۰۰ تا ۱۵۰ من (سه کیلوئی) گندم تجاوز نمیکرد، حدود ۲ زارعان به این مساعده نیاز داشتند و اگر بدانها داده نمیشد مجبور بودند از کاسب^۳ محل قرض بگیرند و محصول خود را ((سلف))^۱ بفروشند.

مساعده ای را که ارباب به زارع میداد ((جیره)) مینامیدند گاهی اگر زارعی خوب کار میکرد یا سفارشی راجع به او میشد ارباب جیره داده شده به او را می بخشید و بهنگام تقسیم محصول از سهمش کسر نمیکرد.

(۱) - زارعان اغلب "سلف" میگویند اما ظاهراً "لفظ صحیح آن "سلم" (بفتح اول و ثانی) است این واژه دراصل مأخوذ از نازی است و بمعنی پیش فروختن و خریدن غله ایست که هنوز نرسیده باشد. نگاه کنید برهان قاطع مرحوم دکتر معین.

آیش:

در ده "رهن" بافت هر حراشه سه طاق (۳۶ ساعت) آب داشت زمینها در سه آیش کشت میشد و هر هکتار را برابر ۶۰ من (۳ کیلوئی) بذر پاش میدانستند. در دهاتی که زمین های آنها وسعت بیشتری داشت هر آیش از یک تا پنج سال بطول میانجامید و در ده های بزرگ دشت آب دور تسلسل آیش تا ۲۰ سال دیده شده است.

نذر:

در صورت بروز سوانح ارضی و سماوی مانند باران بی موقع، سیل، هجوم ملخ و آفات دیگر، یکی دو راس گوسفند بعنوان "نذر" بحساب کل درآمد حراشه تهیه کرده و پس از کشتن گوسفند گوشتش بین افراد تقسیم میشد.

*** ** *

وضع حراشه ها پس از اصلاحات ارضی:

املاک تقسیم شده بین صاحب نسق ها و خرده مالکان سابق برخی مفروز و بعضی مشاع است و مرزهای قطعه زمین ها خاکی است و اغلب بر سر حدود قطعی زمینها بین مالک سابق و صاحب نسق های زمین دار شده نزاع هائی اتفاق میافتد که ناگزیر به اداره های مربوط مراجعه مینمایند.

مالک زمین خود را پس از اصلاحات ارضی منحصرأ وسیله کارگران روز مزد زراعت مینماید. (تحقیق بیشتر در این باره نیاز به مقاله جداگانه ای دارد).